فایل شماره ۱۲۷۵ \_ سوره انبیاء

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا و حبیب الهنا ابوالقاسم محمد صلی الله علیه واله الطاهرین سیما بقیه الله مولانا الحجه ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف و لعنت الله اعدائهم اجمعین الی یوم الدین   
راجب قیام نماز عرض شد که مادامیکه مقدور هست برای انسان به هر نحوی قیام را انجام بده ، واجب است که انجام بدهد ، ولو اینکه یک رکعت را بتواند یا نصف رکعت یا اینکه با کمک تکیه دادن به عصا یا کسی و یا دیوار و چیزی لازم است آن مقدار قیام انجام شود اما اگر از همه اینها عاجز بود و به هیچ کیفیتی قادر بر قیام نبود ، وظیفه اش جلوس است ، یعنی بنشیند ، اگر از جلوس هم عاجز شد و نتوانست بنشیند !نوبت میرسد به حالت خوابیدن ، در بیمارستان است یا در بستر افتاده است قادر نیست نه بایستد و نه بنشیند ، در حال درازکش همانطور که میت را در قبر بگذارند نمازش را بخواند و باز هم اگر نتوانست ، به پهلوی چپ دراز بکشد و رویش به سمت قبله باشد و بازهم اگر نتوانست باید به پشت بخوابد درحالیکه کف پاهایش به سمت قبله باشد و بعد رکوع و سجده را با اشاره سر یا چشم بخواند چون نماز در هیچ صورت نباید ترک شود ، مستجعا یعنی به پهلو خواندن ، مستلقیا یعنی به پشت خوابیدن است .

( اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم )

اعوذبالله من الشیطان الرجیم

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ( ۹۴ انبیاء)

پس كسی كه برخی از كارهای شایسته را انجام دهد در حالی كه مؤمن باشد، نسبت به تلاشش ناسپاسی نخواهد

شد، و ما یقیناً [تلاشش را] برای او می‌نویسیم.

در دو آیه قبل به این اشاره شد که نوع بشر امت واحدی است ( إِنَّ هَٰذِهِٓ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ) قهرا رب واحد ، مسیر و مقصد واحدی هم دارد که منتهی میشود به معاد و یک رستاخیز واحد خب همه افراد بشر دارای عقل هستند و دارای اراده و اختیارند و از جانب خداوند هم که بحث انبیاء شده و همه افراد بشر نوع واحد ( انا ربکم ) منهم که خالق شما هستم خدای شما هستم ، همان کسی که خالق است مسلما رب است و معبود .  
  
معبودیت و الوهیت لازمه ربوبیت است و ربوبیت لازمه خالقیت است ، چون خالق شماست ، شما را اداره میکند و از نفس به کمال می رساند و سرپرستی میکند پس آن کسی که رب شماست معبود شما هم هست ، و شما تعلق و نیاز به او دارید ( أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ) بعد هم فرمود : ( وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ۹۳ ) ولی متاسفانه نوع بشر نشد که تابع این منطق باشند و تفرقه ایجاد کردند و از این آزادی که به آنها دادیم سوء استفاده کردند در حالیکه این عقل و اختیار و آزادی در عمل ، حریت در فکر و عمل و اینها وسیله ای بود که راه مستقیم را پیدا کنند اما نشد ، اهوای نفسانی بر آنها غالب شد و تفرق ایجاد و مسیر واحد را متعدد کردند و رب واحد را اربابی متعدد اتخاذ کردند .

( وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ۹۳ )

و در تقسیم بندی کلی دو دسته شدند ، گروهی مومن شدند و برنامه آسمانی را قبول کردند و گروهی قبول نکردند و کافر شدند . حالا سرنوشت این دو گروه را معین می فرماید ،

( فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ۹۴ انبیاء)

آن گروهی که ایمان آورده اند و عمل کردند ما از ایشان سپاسگزاریم ، اینجا عظمت خالق و ناچیزی خلوق را ببینید بعد تشکر و سپاسگزاری معبود را مشاهده کنید ( فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ ) ما شکور هستیم ، خداوند کشور است ، ایمان به خدا و عمل صالح نفعش به خود آدم رسیده وگرنه سودی به حال خدا ندارد ، نه طاعت و بندگی ما و نه عصیان و گناهان ما سود و زیانی به خالق ندارد ، همه اش به خود ما بر میگردد : گر جمله ی کائنات کافر گردند ، بر دامن کبریاش ننشیند گرد ... در عین حال لطف و تشکر هم میکند ( مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ ) نخواستیم حالا همه صالحات را انجام بده ( مِنَ الصَّالِحَاتِ ) اینجا من تبعیض است یعنی قسمتی از صالحات را انجام بدهد ما اکتفا می‌کنیم ، مومن باشد و بعضی از اعمال صالحات را انجام بدهد نه همه کارهای نیک را ، خب معلومه هیچ کسی نمیتونه همه صالحات را انجام بدهد ، هر کسی شرایط خاصی دارد و یک وظائف خاصی در همون حال خودش دارد به حسب حال خودش وظایف خود را انجام بدهد یک قسمتی از صالحات را انجام میدهد و این برای ما کافیست ، در ۲۴ ساعت اگر ۱۷ رکعت نماز میخوانیم مگر کار سختی است ؟ مگر دشوار است ؟ یا در تمام سال یک ماه رمضان آنهم در ۲۴ ساعت چند ساعتش را امساک میکنیم مگر کار مشکلی است ؟ در تمام مدت عمر یک بار حج بجا آوردن سخت است ؟

از ما نخواستند در هر یک ساعت ۱۰ رکعت نماز بخوانیم یا هرسال مکه برویم اما خداوند از ما نخواست بلکه فرمودند یک قسمت را انجام بدهد ما اکتفا می‌کنیم منتها باید مومن باشد تا این یک عمل او از ایمان برخیزد این دو رکن لازم است ایمان باشد در قلب و عمل باشد در جوارح ، که این ایمان قلبی مولد عمل باشد و این عمل هم مولود ایمان باشد .

اگر یکی تنها باشد کافی نیست ، ممکن است کسی قلبا باور کند خدا را ( افرادی ناپخته و خام هستند از این حرفها میزنند که خدا را قبول دارم ولی نماز نمی خوانم ) ولی عمل صالح ندارند ، آخه این ایمان باید مولد باشه ، چون باور کرده دستورش را هم باید قبول کند و الا خداوند بی خاصیت که نیست ایمان باید مولد عمل باشد و عقیم نباشد بلکه تولید کند و عملی داشته باشد ا اثر گزار باشد ، شاید عملی داشته باشد و خوب هم باشد اما از ایمان سرچشمه نداشته باشد اینهم ارزش ندارد و انسان را به سعادت نمی رساند ، سعادت انسان به حکم قرآن معلول دو رکن است یکی ایمان قلبی و دوم رکن عمل در همه جای قرآن این مطلب آمده ، که ایمان با عمل صالح ذکر شده مثلا در سوره عصر :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

تمام انسانها در زیانند الا یک دسته و گروه و آن دسته چه کسانی هستند ؟

( إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ )

مومن صالح العمل یعنی قلبا باور کرده و عملا کار میکند این کار تولید شده از ایمان است و این سبب سعادت انسان است و سعیش نزد ما مشکور است و ما کفران به سعیش نداریم و در قیامت بی نتیجه نیست ، در دنیا شاید انسان تلاش کند ولی نتیجه ای که میخواهد ، حاصل نشود بله اینطور نیست کا در دنیا هرکس تلاش کند به نتیجه برسد فلذا آیه شریفه کا در سوره نجم هست ( وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ آیه ۳۹ ) گاهی با دنیا تطبیق میدهند و میگویند در دنیا انسان آنچه که سعی میکند میبرد، هرکه سعی نکند نمی برد خیلی ها سعی میکنند اما به نتیجه نمی رسند ، خیلی تلاش میکنند اما گیرشون نمیاد ، بعضی ها سعی میکنند اما نتیجه اش به دیگران میرسد مثلا خیلی پدرها جمع کردند ولی بچه ها خوردند ، خودشان استفاده نکردند ولی بچه ها که ذره ذره ای تلاش نکردند و کلی سرمایه نصیبشان شده ، این نیست که هرچه انسان میبرد نتیجه سعی اوست ، بسیاری از ساعی ها به نتیجه نمی رسند و بسیاری از بیکارها نتیجه کار دیگران را میخورند پس این ( وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ آیه ۳۹ ) منظور دنیا نیست . اما در آخرت مسلم است . یعنی در آخرت امکان ندارد کسی بهره ای ببرد اما بدون تلاش خودش ! ( لا یظلم ربک احدا ) امکان ندارد خداوند به احدی ظلم کند و هرکس هر سعی و تلاشی که کرده بهرمند میشود ، اونجا سعی پدر را به پسر نمیدهند و بالعکس سعی پسر را به پدر نمیدهند ( و ان سعیه سوف یری ) آنچه که نشانش میدهند سعی خود او را نشانش میدهند ، پس نتیجه هیچ سعیی به غیر ساعی به کسی نمی رسد پس این آیه در دنیا مورد تطبیق نیست بلکه در مورد آخرت هست و سوره ذاریات هم دنبال آخرت افراد هست   
اما در دنیا بسیاری از مردم از سعی و تلاش دیگران میخورند ، پس : ( فلا کفران لسعیه ) کسانیکه در دنیا سعی میکنند برای آخرتش ما برای اونها مشکور قرار میدهیم و کفران نمی کنیم ( و انا له کاتبون )   
ما همه را می نویسیم ، ضبط میکنیم و هیچ چیزی از دفتر ما مکتوم و مخفی نمی ماند .

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ   
مطمئن باش به اندازه دانه خردل که از ارزن هم کوچکتر است در آسمانها و در اعماق و زیر زمین باشد در لابه لای تخته سنگها باشه ، ما می آوریم ( لا تظلم نفس شیعا ) مسئله ای که قرآن بر آن تاکید دارد ایمان است و عمل صالح که نمیشود از آن به سادگی گذشت ، مسئله بدست آوردن ایمان بسیار مهم است که مایه میخواهد که آدم مومن باشد و صالح العمل ، ایمان قلبی داشته باشد نه فقط به زبان ( قالت الاعراب آمنا ، قل لم تومنوا ) عده ای آمدند گفتند ما ایمان آوردیم که به اونها گفته شد بیخودی حرف نزنید با ظاهر حرف نزنید ، ( ولکن قولوا اسلمنا ، ولکن لم تومنوا ، ولما یدخل الایمان فی قلوبکم ) چون ایمان در قلب شما وارد نشده ، مسئله قلبی است ایمان باید باور بشود ، باور قلبی هم به این سادگی نیست ، برای وحدانیت شهادت میدهید و بر نبوت شهادت میدهید ولی در عمل اطاعت نمی کنید شما مومن نشده اید ( ولما یدخل الایمان ) یه وقت لفظی را میگوییم و مفهوم آنرا نیز میدانیم ، تلفظ داریم و تفهم ، یک وقت لفظ را گفتند و قرائت را گفتند و خیلی هم زیباست و در کنارش مفهومش را هم دانستند که باید عمل کنند تا نتیجه بدهد بعضی ها درس میخوانند و می فهمند اما فهم با باور قلبی فرق دارد ، فهمیدگی غیر دلبستگی است ، دو مطلب است ، خیلی ها می فهمند اما دلبستگی ندارند پس فهم زیاد است و به آسانی بدست می آید کتابها نوشته اند ، مدرسین هستند و معلمین هستند پس هم تلفظ را و هم تفهم را به راحتی میشود بدست آورد اما اونی که سخت است باور است که جوهر باور قلب را رنگین کند آنهم به رنگ الله ... قلب آدم در مقابل فهمش تسلیم بشود ، چون خیلی ها هستند که می فهمند اما در مقابل فهم خودشان تسلیم نمی شوند ، اما اونهایی که می فهمند ( جهدوا بها والستیقنتها انفسهم ) در مقابلش تسلیم نمی شوند ، اینطور نیست که هر عالمی مومن هم باشد ، شیطان از خیلی از ماها باسوادتره اما مومن نیست ، بلکه کافر است ، اونقدر فهمیده و دانا بود که ملائک فکر میکردند از جنس اونهاست چون با همان فهمش سر اونها کلاه گذاشته بود تا زمانیکه دستور رسید همه تسلیم بشوند اما در مقابل همانی که می فهمید تسلیم نشد ، میدانست خداوند خالق بی همتاست گفت : ( خلقتنی من النار و خلقته من تین ) قیامت را هم قبول داشت که وجود دارد ( الی یوم یبعثون) فلذا خداشناسی مطلبی است و خدا باوری مطلب دیگری است ، ما علی شناس زیاد داریم اما علی باور کم داریم ، خیلی از اهل تسنن علی شناس هستند اونقدر خوب می شناسند ، تحلیل میکنند ، بررسی میکنند اگر کسی نداند ابن ابی الحدید سنی هست مطالبش را در مورد امیرالمومنین بخواند باور نمیکند سنی باشد چون امام شناس هست اما تسلیم نیست ، خوب شناخته اند اما باور نکرده اند و در مقابلش خضوع ندارند و عمده همان تسلیم است که اونها تسلیم نشدند فلذا ایمان که میخواهد بدست بیاید تفکر لازم است و متاسفانه ما تفکر کم داریم و نمی دانیم تفکر خود عبادت است اصلا ما موظف با تفکریم چون عبادت اول ما تفکر است ، خیلی زحمت بکشیم ، نماز زیاد بخوانیم ،سجده طولانی و ذکر زیاد بگیم یا خیلی ها پول خرج میکنند مکه و کربلا و مشهد میروند و به فقرا رسیدگی میکنند اما عبادت تفکر کم داریم ، در ۲۴ ساعت امکانش هست که ۱۵ دقیقه تفکر کنیم ؟   
برای همه کارهامان وقت تعین می کنیم ، غذا خوردن خوابیدن ، مطالعه کردن ، اداره و کار کردن هامون ، نماز خواندن و ... اما آیا برای تفکر زمان تعیین کردیم یا نکردیم ؟ حداقل آخر شب در شبانه روز ۱۵ تا ۳۰ دقیقه با تفکر بپردازیم چون بزرگان ساعت تفکر دارند ، یکی از بزرگان در قم بود و از دنیا رفت و ما طلبه بودیم و عقلمان نمی رسید اونوقت ۱۸ ساله بودم و برنامه مباحثه داشتیم با رفیقان و ساعت مباحثه یک ساعت قبل از اذان صبح بود در مسجد بالای سر همجواری حضرت معصومه علیها السلام و هر موقع می رفتیم برای زیارت می دیدیم این بزرگوار اونجاست نماز شبش را خوانده تمام کارهایش را کرده فقط نشسته و درحال نشسته رکوع کرده بود و من فکر کردم در حال خواندن قرآن است یا مطالعه می کند اما نه متوجه شدم آن ساعت تفکر ایشان بود . نیم ساعت به اذان صبح مانده ایشان عبادت تفکر می کند ، ( تفکر ساعه افضل من عبادت سنه یا سبعین سنه ) یعنی از یکسال یا هفتاد سال عبادت بالاتر است ، این حدیث از امام رضا علیه السلام و امام عسگری علیه السلام نقل شده ( لیس العبادت کثرت الصیام و الصلواه ) عبادت همش زیاد روزه گرفتن و نماز خواندن نیست ( انما العبادت کثرت التفکر ) کسیکه اهل تفکر باشد و مطالب را به خورد عقل و قلبش داده باشد این ایمانش ریشه دار هست و به این سادگی نمیشه از او گرفت انسانهایی که بدون تفکر آمده اند با اندک تشکیکی از او میگیرند ، ایمان و اعتقادات بدون ریشه اش را از او میگیرند، انسان متزلزل در عقاید خیلی خطرناک است خوب است انسان در ۲۴ ساعت یک ساعت یا نیم ساعت تفکر کند ، ما دعاهایی داریم که انسان را به تفکر وا میدارد شماست شما دعای جوشن صغیر که کم است را بخوانید نعمت هایی را کا خداوند به آدم داده متذکر میشود کا در زمانهای مختلف عمرم چه بودم و چه خطرهایی در مقابل راهم بود و تو رفع کردی و نجاتم دادی بله لازم نیست دعا را تا آخر بخوانیم و تمام کنیم مثلا شب جمعه قرار نیست به سختی دعای کمیل را بخوانیم و تمام کنیم نه بلکه خوب است یک سطر یا دو سطر یا نیم صفحه بخوانیم اما با تفکر و تعقل باشد نه اینکه با خستگی بخوانیم و چرت بزنیم ، دعای ابوحمزه ثمالی را لازم نیست تا آخر بخوانیم هر شبی یک صفحه بخوانیم و در همین یک صفحه فکر کنیم یا اینکه دعای عرفه را قرار نیست روز عرفه فقط بخوانیم اینها به قصد ورود که نیست در همین دعای عرفه از زبان امام حسین علیه السلام میخوانیم کا من چه بودم و تو با من چه کردی و دائم تذکر میدهد که چه شده که خداوند اینهمه لطف به انسان کرده و برکات مادی و معنوی برسر انسان ریخته و در مور. اینها فکر کنیم ، انسان متفکر که شد کم کم عالم میشود و علم به اینها پیدا می کند و عزم در انسان پیدا میشود و تصمیم میگیرد و قاطع میشود حالا انسان هم متفکر هم عالم باشد و هم عازم ، تصمیم قاطع داشته باشد یکی از عواملی که اراده انسان را ضعیف میکند گوش کردن به ساز و آواز است ، بزرگان فرمودند: موسیقی های دارای غنا ، اراده ی ایمانی انسان را سست کرده و از بین میبرند به حکم قرآن ( وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ ) از آنان هر كه را توانستی با آوازت [به سوی باطل‌] برانگیز. ( اسراء آیه ۶۴)

به شیطان خطاب شده تو با صدایت میتوانی عقیده مردم را شل کنی ، استفزاز یعنی شل کردن و انسان آماده انحراف میشود پس آهنگ ها و صداهای غنا این اثر وضعی را بر روی انسان دارد ، حالا چه باور بکند یا نکند وضعا این اثر را دارد ، اصلا در روایت تفسیر شده صوت شیطان غناست یا همان موسیقی ، بعضی ها گفته اند با موسیقی به خدا می رسند ، ولی قرآن گفته با صدای شیطان سبک میشوید ، شل میشوید و به خدا نمی رسید یا در قرآن سوره لقمان ایه ۶ آمده است که :

( وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُولَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

برخی از مردم‌اند كه سخنان باطل و سرگرم‌كننده را می‌خرند تا از روی نادانی [مردم را] از راه خدا گمراه كنند و آن را به مسخره بگیرند؛ برای آنان عذابی خواركننده خواهد بود.

از مصادیق لهو الحدیث طبق روایات همان صدای شیطانی و غناست ، کسانیکه با لهو الحدیث سرو کار دارند ( اذا تتلی علیه آیاتنا ولا مستکبرا ) همینکه آیات ما به گوشش برسد با بی اعتنایی میگذرد ( کان فی اذنیه وقرا ) مثل اینست که چیزی نمی شنود و خلاصه اینکه عزم را از بین میبرد .

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته